



نگاهی به سیر تاریخی کتب مبهمات قرآن

معصومه شریفی - محسن رفیعی

چکیده

مقاله حاضر، نگاهی است نقد گونه به سیر تاریخی در نگارش تفسیر مبهمات قرآن. درخت دانش «مبهمات قرآن»، بسی کهن است؛ و پیشینه‌اش تا به آغازین دوران نزول وحی می‌رسد؛ و شواهد مستند قرآنی، روایی و تاریخی، گواهی است بر این ادعا اما تا قرن‌ها پس از نزول وحی، تفاسیر مبهمات و واژه‌های دشوار یاب قرآن در یک جا گرد نیامده بودند، بلکه سخنانی بودند پراکنده در میان کتب تفسیری، حدیثی، تاریخی و اسباب نزول. تا اینکه قرن ششم هجری طلوع نمود، و به گواه عموم دانشمندان علوم قرآنی، ابوزید السهیلی (۵۰۸ - ۵۸۱ هـ) نخستین کتاب را بنا به درخواست کتبی یک نفر، با عنوان «التعریف والإعلام فیما ابهم فی القرآن من الأسماء و الأعلام» به نگارش در آورد.

نکاشته‌ها در این موضوع، به دو دسته: کتب مستقل، و کتب ضمن موضوعی، تقسیم می‌شوند. این مقاله عهده‌دار معرفی کتب تألیف شده بر اساس سیر تاریخی در نگارش، شرح حال مختصری از نگارندگان، انگیزه و اهدافشان از نگارش، برجستگی‌ها و ارزش علمی، کاستی‌ها و نارسایی‌های این کتاب‌ها است.

کلید واژه‌ها: ۱. مبهمات. ۲. تفسیر. ۳. تفسیر مبهمات. ۴. تفسیر مبهمات قرآن. ۵. تاریخ تفسیر. ۶. علوم قرآن.

مقدمه

دانش «مبهمات قرآن»، پیشینه‌ای بس طولانی و دراز دارد؛ و سابقه‌اش را می‌توان تا به آغازین دوران نزول وحی به پیش برد. نخستین کسی که به تعیین مصادیق مبهمات قرآن پرداخته، شخص پیامبر اکرم (ص) است چه اینکه آن حضرت به استناد این سخن خداوند: و انزلنا الذکر لتبین للناس ما نزل الیه (نحل، ۱۶ / ۴۴) وظیفه تفسیر و تبیین آیات مبهم را به عهده داشته است؛ و با استناد به شواهد مستند قرآنی، روایی و تاریخی، از هیچ تلاش و کوششی فرو گذار ننموده است. سپس اهل بیت ایشان (ع)، صحابه، تابعین و دیگران نیز در راه زدودن ابهام از چهره آیات نورانی قرآن مجید همت گماشته‌اند. تا قرن‌ها پس از نزول وحی،

تفسیر مبهمات و واژه‌های دشوار یاب قرآن در یکجا گرد نیامده بود؛ بلکه سخنانی پراکنده در میان کتب تفسیر، حدیث، تاریخ و اسباب نزول بود. تا اینکه قرن ششم هجری طلوع نمود و مرحله‌ای نو در پژوهش درباره «مبهمات قرآن» آغاز شد؛ و درخشش فعالیت «سهیلی» در این موضوع نمایان گشت. به گواهی عموم دانشمندان علوم قرآنی، نخستین کسی که درباره این دانش به تألیف مستقل دست یا زید، «أبو زید عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد الخثعمی الأندلسی السهیلی (۵۰۸ - ۵۸۱ هـ) است که کتاب گرانسنگ التعریف و الإعلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء و الأعلام را نگاشت.^۱

به هر تقدیر، اگر چه دانش «مبهمات قرآن» پیشینه‌ای بس دیرینه دارد؛ ولی - به هر دلیل - قرآن پژوهان به طور بایسته و شایسته به آن نپرداخته‌اند. به همین جهت مجموع نگاهشده‌های مستقل در این زمینه را به راحتی می‌توان برشمرد و به دوسته کتب مستقل و کتب ضمن موضوعی می‌توان تقسیم کرد.

کتب مستقل پیرامون مبهمات قرآن

۱. التعریف و الإعلام فی القرآن من الأسماء و الأعلام^۲ و ۲. الإیضاح و التیین لما أبهم من تفسیر الكتاب المبین؛ به قلم: الامام أبوزید و أبو القاسم و أبو الحسن، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد الخثعمی الأندلسی السهیلی.

سهیلی، به سال ۵۰۸ هجری در خانه علم و خطابه در شهر «اشبیلیه» متولد شد، و دانش‌های اولیه را همانجا آموخت. سپس به «مالقه» رفت و به کسب دانش پرداخت. وی اساتید فراوانی را درک کرد و شاگردان بسیاری تربیت نمود. به زبان عربی و لغت و سیره و تفسیر و قراءات و حدیث، آگاه بود. در سن ۱۷ سالگی نابینا گشت. او را به نبوغ علمی و گستردگی دانش ستوده‌اند؛ و تألیف‌های فراوان برایش دانسته‌اند. علاوه بر دو کتاب یاد شده، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

۱. أمالی؛ ۲. حلیة النبیل فی معارضة ما فی السبیل؛ ۳. الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام؛ ۴. شرح الجمل؛ ۵. قصة یوسف (ع)؛ ۶. القصیة العینیة؛ ۷. کتاب الفرائض و شرح آیات الوصیة؛ ۸. مسئله روية الله - عزوجل - فی المنام و روية النبی (ص)؛ ۹. مسألة السرفی عور الرجال؛ ۱۰. نتایح الفکر فی النحو.

سهیلی در روز پنج شنبه ۲۶ شعبان سال ۵۸۱ هجری وفات کرد.^۳

نیم‌نگاهی به کتاب‌التعریف و الاعلام

سهیلی در مقدمه‌ای ارزشمند اظهار می‌دارد که مطالب این موضوع را به طور اختصار و به ایجاز آورده است. نیز در همان مقدمه به موضوع کتاب، اهمیت دانش مبهمات نزد پیشینیان، و فایده این دانش پرداخته است.^۴ در پایان کتاب نیز انگیزه خویش را این‌گونه بیان می‌دارد:

انگیزه من از نوشتن این کتاب، این است که شخصی به طور مکتوب درباره نام‌های مبهم در قرآن از من پرسید؛ من نیز آنچه از گذشته و حال و... می‌دانستم نوشتم.

و در ادامه اظهار می‌دارد:

در این باره پژوهشی گسترده نکردم؛... زیرا این کتاب، پاسخی است گذرا و در خور

فهم به سؤال‌کننده...^۵

ترتیب کتاب سهیلی بدین گونه است که از سوره «فاتحه» آغاز، و به سوره «فلق» به پایان می‌رساند. ولی به مبهمات همه سوره‌های قرآن پرداخته؛ بلکه از مبهمات ۲۹ سوره غفلت ورزیده است. این سوره‌ها عبارتند از: «عنکبوت، فاطر، شوری، ذاریات، حدید، تغابن، طلاق، ملک، دهر، مرسلات، نبأ، نازعات، مطففین، انشقاق، اعلی، غاشیة، ضحی، إنشراح، قدر، بینه، زلزله، عادیات، قارعة، تکاثر، عصر، نصر، اخلاص، ناس».

شایان ذکر است تعداد آیه‌هایی که به آنها پرداخته، به ۲۹۴ مورد می‌رسد. شیوه او در نگارش مبهمات این گونه است که غالباً نام سوره را می‌نویسد، سپس آیه مبهم را به ترتیبی که در قرآن آمده می‌آورد؛ آنگاه با پایان یافتن هر آیه، به آیه جدید می‌پردازد. و به همین ترتیب تا پایان سوره ادامه می‌دهد. روش سهیلی در تفسیر مبهمات، این است که در درجه اول به خود «قرآن» تکیه می‌کند، و در تفسیر مبهمات از آیات دیگر مدد می‌گیرد. چنانچه تفسیر مبهم را در قرآن نیافت، از سنت پیامبر (ص) بهره می‌گیرد. و در صورتی که تفسیر مبهم را در قرآن و سنت نیافت، به سخنان صحابه و تابعین روی می‌آورد؛ ولی در بیشتر موارد به هنگام نقل از آنان، به نامشان تصریح نمی‌کند. البته بیشتر این سخنان را به عبدالله بن عباس، ابن مسعود، سعید بن جبیر، حسن، قتاده، عطاء بن ابی رباح، ربیع بن انس، و وهب بن منبه ارجاع می‌دهد.

اشکال‌های وارد بر کتاب سهیلی و محاسن آن

در کتاب‌التعریف و الاعلام سه اشکال عمده به چشم می‌خورد:

۱. ورود احادیث ضعیف؛

۲. ورود سخنان غریب، بدون پی گیری آنها؛

۳. زیاد گویی و بیان برخی مطالب بی فایده و خارج از موضوع اصلی.^۶

اما با همه اینها، فضیلت سهیلی در پیشی گرفتن در تألیف کتاب پیرامون این موضوع، و گرد آوری آیات مبهم، و تدوین اثری ارزشمند، بر کسی پوشیده نیست. از جمله محاسن کتاب، این است که افراد زیادی به تکمیل، تلخیص و تحقیق پیرامون آن مبادرت ورزیده اند؛ به این شرح: ابن عسکر (۵۸۴ - ۶۳۶ هـ) مستدرکی بر این کتاب نوشت با عنوان: التکمیل و الإتمام لکتاب التعریف و الإعلام. آنگاه ابن جماعة (۶۳۹ - ۷۳۳ هـ) آن دو کتاب را در کتابی با عنوان التبیان لمن لم یسم فی القرآن^۷ گرد آورد. و سیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ هـ) آن را با عنوان مفحّمات الأقران فی مبهمات القرآن، خلاصه نمود. نیز بلنسی (۷۱۴ - ۷۸۲ هـ) دو کتاب ارزشمند سهیلی و ابن عسکر را با این عنوان گردآوری و تکمیل نمود: صلة الجمع و عائد التذیل لموصول کتابی الإعلام و التکمیل، و أدکاوی (۱۱۰۴ - ۱۱۸۴ هـ) نیز کتاب های سهیلی، ابن عسکر و بلنسی را با عنوان ترویج أولی الدّماتة بمتقی الکتب الثلاثة تلخیص کرد. نیز شایان ذکر است ابن فرتون (۰۰۰ - ۶۶۰ هـ) کتاب الاستدراک و الإتمام للتعریف و الإعلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء و الأعلام، و شامی (۶۷۱ - ۷۱۵ هـ) کتاب الاستدراک علی التعریف و الإعلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء و الأعلام، را به عنوان مستدرک و متمّم بر کتاب سهیلی نگاشتند. و بحرق (۸۶۹ - ۹۳۰ هـ) کتاب تلخیص التعریف و الإعلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء و الأعلام را به نگارش در آورد. مشاهده می شود که این نگارندگان هر کدام به نوعی از آبشخور سهیلی نوشیده اند.

همچنان که در آثار سهیلی بیان شد، برخی از شرح حال نویسان، کتاب دیگری در زمینه تفسیر مبهمات قرآن با عنوان الايضاح و التبيين لما أبهم من تفسیر الکتب المبین، به وی نسبت داده اند.^۸ آقای حنیف بن حسن القاسمی به نقل از هدیه العارفین، الأعلام و معجم المفسرین ابراز می دارد:

سهیلی کتاب دیگری در مبهمات قرآن به جز «التعریف و الإعلام» دارد که نامش «الایضاح و التبيين لما أبهم من تفسیر الکتب المبین» است.

سپس ادامه می دهد:

به جزاینها، به منابعی دیگر دست نیافتیم.^۹

اما آقای عبدالله محمد علی النقراط - محقق کتاب سهیلی - ضمن نامیدن این کتاب در

میان سایر کتب سهیلی، اظهار می‌دارد:

شاید این کتاب همان کتاب التعریف و الإعلام باشد که با نام الايضاح و التبيين نامیده شده است؛ زیرا محتوای آنها یکی است. پس چگونه می‌توان آنها را دو کتاب دانست. و ما این نامگذاری را خطای برخی از شرح حال نویسان سهیلی می‌دانیم که این کتاب را به وی نسبت داده‌اند؛ در صورتی که این همان کتاب است.^{۱۰}

نقد و بررسی

استدلالی که محقق محترم کتاب التعریف و الإعلام آورده است، به چند دلیل صحیح به نظر می‌رسد؛ زیرا اولاً: به صرف اینکه محتوای آن دو کتاب یکی است، نمی‌توان نتیجه گرفت که یک کتاب هستند؛ بلکه چه بسا یکی از آن دو کتاب، به صورت تلخیص، و دیگری به تفصیل باشد. چه اینکه سیوطی کتابی با عنوان مفتحات الأقران فی مبهمات القرآن نوشته، سپس خلاصه آن را در معترك الأقران فی إعجاز القرآن و الإیتقان فی علوم القرآن آورده است.

ثانیاً: از سخنان وی بر می‌آید که کتاب مورد بحث را ندیده است؛ و چه بسا ممکن است چنین خطایی از سوی شرح حال نویسان رخ نداده باشد.

ثالثاً: از منابعی که کتاب الايضاح و التبيين را به سهیلی نسبت داده‌اند، در نام این کتاب، اتفاق نظر دارند؛ ولی توضیح بیشتر از چند و چون آن را ارائه نداده‌اند.

رابعاً: کتاب التعریف و الإعلام با نام غوامض الأسماء المبهمة و الأحادیث المسندة فی القرآن، چاپ شده؛ و محقق آن نیز تصریح کرده است که هر دوی آنها یکی هستند؛ و همو کتاب الايضاح و التبيين لما أبهم من تفسیر الكتاب المبین، را در کنار سایر تألیفات سهیلی آورده است.^{۱۱}

کتاب ارزشمند التعریف و الإعلام، به سال ۱۳۵۶ هجری به کوشش شیخ محمود ربیع در مصر، و به سال ۱۴۰۱ هجری با تحقیق استاد عبدالله محمد علی النقراط در طرابلس، و به سال ۱۴۰۷ هجری در بیروت به چاپ رسیده است. نیز به سال ۱۴۰۷ هجری با تحقیق استاد عبدالله مهتاً در بیروت انتشار یافته است. و به سال ۱۹۸۸ هجری نیز با تحقیق دکتر هیشم عیاش با نام: غوامض الأسماء المبهمة و الأحادیث المسندة فی القرآن، در بیروت به چاپ رسیده است.

گفتنی است کتاب التعریف و الإعلام، توسط آقای فرزانه امینی باغبادرانی - کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث - با راهنمایی استاد آذرتاش آذرنوش، به سال ۱۳۷۴ شمسی ترجمه و تحقیق شده است.

در این پایان نامه، علاوه بر ترجمه کتاب یاد شده، تحقیقات ذیل نیز انجام شده است: استخراج احادیث متن و ارجاع به منابع و نقد آنها؛ نقد برخی از مواردی که نویسنده کتاب مطرح کرده است، با تکیه بر تفاسیر و معیارهای بررسی احادیث؛ معرفی اعلام مذکور در متن؛ ارجاع برخی از اقوال به منابع شیعی و سنی.

۳. التکمیل و الإتمام لکتاب التعریف و الإعلام. به قلم: الامام العلامة القاضی أبو عبدالله محمد بن علی بن عبیدالله بن الخضر بن هارون ابن عسکر الغسانی المالقی المالکی. (۵۸۴ - ۶۳۶ هـ)

أبو عبدالله بن عسکر حدود سال ۵۸۴ هجری در روستایی کوچک در نزدیکی «مالقه» متولد شد، و در همانجا رشد نمود. سپس به مالقه - که شهری بزرگ و پر از دانشمندان و پیشوایان ارجمند از علوم مختلف بود - رفت، و در محضر دانشمندان به کسب دانش پرداخت؛ و مدتی سرپرستی قضاوت در مالقه را به عهده داشت. نهایتاً ظهر چهارشنبه، چهار مانده به جمادی الآخر، سال ۶۳۶ هجری وفات یافت.

وی دانشمندان زیادی را درک کرده، و شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. و در بسیاری از علوم اسلامی متبحر گردیده و کتاب‌های فراوانی تألیف کرده است، که برخی از آنها عبارتند از:

۱. التکمیل و الإتمام لکتاب التعریف و الإعلام؛ ۲. المشرع الروی فی الزیادة علی غریب الهروی؛ ۳. نزهة الناظر فی مناقب عمّار یاسر؛ ۴. الجزء المختصر فی السلوی عن ذهاب البصر؛ ۵. رسالة اذخار الصبر فی افتخار القصر و القبر؛ ۶. أربعون حدیثاً؛ ۷. الإكمال و الإتمام فی صلة الإعلام بمحاسن الأعلام من اهل مالقة الکرام؛ ۸. أنساب بنی سعد و... ۱۲

نیم‌نگاهی به کتاب التکمیل و الإتمام

از عنوان کتاب التکمیل و الإتمام، معلوم است که حاشیه و تکمله‌ای است بر کتاب التعریف و الإعلام. ابن عسکر، هدفش از تألیف این کتاب را، کامل کردن مبهماتی از قرآن

اعلام می‌کند که سهیلی به آنها پرداخته است؛ و با کمال تواضع و حق شناسی، این گونه به توصیف فضیلت و ارزشمندی سهیلی و کتابش می‌پردازد:

اگر چه حجم این کتاب اندک است، اما ستاره‌اش در نوآوری و استادی، فروزان است؛ از آن هنگام که درخشش آن، و هدف ارجمندش را دیده‌ام، اندک اندک از خونش می‌مکم و از گل‌های باغش می‌چینم.^{۱۳}

نیز با مطالعهٔ مقدمه‌اش در می‌یابیم که برای نقض کتاب سهیلی به تألیف این کتاب پرداخته، بلکه برخی از توضیحات ضروری را به آنها افزوده است. این عسکر در بیان مبهمات قرآن، از سورهٔ «فاتحه» آغاز، و به سورهٔ «ناس» به انجام می‌رساند، اما به همهٔ سوره‌های قرآن پرداخته است. تعداد این سوره‌ها به پانزده می‌رسد، که عبارتند از: «غایشه، بلد، شمس، لیل، شرح، بینه، زلزله، عادیات، قارعة، عصر، فیل، قریش، مسد، اخلاص، فلق».

تعداد آیه‌های مبهم که ابن عسکر به عنوان متمم بر کتاب سهیلی نوشته است، به ۴۷۹ مورد می‌رسد.

روش ابن عسکر در تفسیر مبهمات قرآن نیز همچون سهیلی است. وی در تفسیر مبهمات به سه چیز تکیه می‌کند: ابتدا از خود قرآن، در تفسیر مبهمات بهره می‌گیرد؛ در صورتی که تفسیر مبهم را در قرآن نیافت، به سنت مطهر مراجعه می‌کند؛ آنگاه از سخنان صحابه و تابعین استفاده می‌نماید. شاخص‌ترین صحابی که وی از آنان نقل می‌کند عبارتند از: عبدالله بن عباس، ابو سعید خدری، و... جز آنان. و تابعین نیز عبارتند از: عکرمه، حسن بصری، و... جز آنان.

با بررسی کتاب ابن عسکر، می‌فهمیم که او نیز همچون سهیلی در مباحث لغوی و نحوی و فقهی و... جز آن، از این شاخ به آن شاخ پریده؛ و چه بسا در برخی از قضایا که مربوط به موضوع کتاب نیست، سخن را به درازا کشیده است.

کتاب التکمیل و الاتمام، دومین کتابی است که - به طور مستقل - به تفسیر مبهمات قرآن پرداخته است. این کتاب، به سال ۱۴۰۴ هجری توسط آقای حسین عبدالهادی به جهت أخذ مدرک دکترا، در ریاض تحقیق شده است. نیز توسط آقای أسعد محمد الطیب، تحقیق شده است؛ با این توضیح که وی نام کتاب را التکملة و الاتمام فی التعریف و الاعلام^{۱۴} نهاده است. نیز به سال ۱۴۱۸ هجری توسط آقای حسن مروءه، تحقیقی جامع بر کتاب به عمل آورده است.

۴. البیان فیما أبهم من الأسماء فی القرآن، به قلم: ابو عبدالله محمد بن أحمد بن سلیمان بن ابراهیم الزهری الأندلسی الاشبیلی، مشهور به زهری (۱۰۰۰-۶۱۷ هـ). زهری، فردی ادیب بود که در «مالمقه» متولد شد؛ و در «اشبیلیة» سکونت گزید. به مصر، شام، جزیره، بغداد و اصفهان سفر کرد. می گویند تاتارها وی را در بروجرد شهید کردند.^{۱۵}

از جمله کتاب های اوست: البیان فیما أبهم من الاسماء فی القرآن. در کتاب های هدیه العارفین^{۱۶} و الأعلام^{۱۷} نیز این کتاب را به وی نسبت داده اند؛ اما هیچ یک از کسانی که درباره مبهمات قرآن به تألیف پرداخته اند، اشاره ای به آن نکرده اند، شاید این کتاب مفقود شده باشد.^{۱۸}

وی به جز این کتاب، کتاب های دیگری نیز دارد با نام های: البیان و التبین فی أنساب المحدثین، أقسام البلاغة و أحكام الصناعة، شرح الايضاح للفارسی، و شرح المقامات.^{۱۹}

۵. الإستدراک و الإتمام للتعریف و الإیلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء و الأعلام. به قلم: ابوالعباس، أحمد بن یوسف بن ابراهیم السملی الفاسی، معروف به «ابن فرتون» (۱۰۰۰-۶۶۰ هـ).

وی مورخ، مفسر، محدث، و رجالی معروف است که در «فاس» متولد شد؛ و در آنجا و «سبته» به کسب دانش پرداخت. سپس به سال ۶۳۵ هجری به «اندلس» رفت و از دانشمندان «مالمقه» و «جزیره خضراء»، دانش آموخت و به «سبته» بازگشت؛ و در همانجا ماند تا به سال ۶۶۰ هجری وفات کرد.^{۲۰}

از چگونگی این کتاب، اطلاعی در دست نیست؛ ولی برخی این کتاب را به «ابن فرتون» نسبت داده اند.^{۲۱}

۶. الإستدراک علی التعریف و الإیلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء و الأعلام به قلم: أبو عبدالله محمد بن علی بن یحیی بن علی الغرناطی، الأندلسی، معروف به: «الشامی» (۶۷۱-۷۱۵ هـ).

وی فقیه، مفسر، ادیب، شاعر، و نحوی، از اهل غرناطة بود که در همانجا رشد نمود و به کسب دانش پرداخت. مدتی را در مکه و مدینه اقامت گزید، و به سال ۷۱۵ هجری در مدینه وفات کرد.^{۲۲}

برخی از شرح حال نویسان، این کتاب را به وی نسبت داده اند.^{۲۳}

۷. التبیان لمبهمات القرآن و ۸. غرر التبیان فی من لم یسم فی القرآن. به قلم: بدرالدین

أبو عبدالله محمد بن عبره بن عیبره بن سعد الله بن جماعة الكنانی الحموی، معروف به: «ابن جماعة» (۶۳۹-۷۳۳ هـ).

ابن جماعة، از فقهای شافعی، عالم به حدیث و فقه و تفسیر و اصول بود. وی به سال ۶۳۹ هجری در «حماه» متولد شد، و در همانجا رشد نمود؛ و به «مصر»، «دمشق»، «مکه» و «قدس» سفر کرد. در قدس، قضاوت و خطابه را به عهده گرفت. نیز قضاوت مصر و شام را به عهده او نهادند: تا اینکه چشمش نابینا، و گوشش سنگین شد؛ به همین جهت از قضاوت کناره گیری کرد، و تا هنگام وفاتش خانه نشین شد. ۲۴ ابن جماعة، دو کتاب درباره مبهمات قرآن نگاشته است با نام‌های: ۱. التبیان لمبهمات القرآن. ۲. غرر التبیان لمبهمات القرآن. وی در مقدمه غرر التبیان، به کتاب اولش اشاره کرده است که:

این، کتابی است که چکده کتاب پیشین است: ان شاء الله در آن اسم کسانی که در قرآن بزرگ، به صفت یا لقب یا کنیه شان نامیده شده اند می پردازم؛ نیز نسب‌های مشهور پیامبران و رسولان و پادشاهان در قرآن نام برده شده؛ و معنای مردم، و مؤمنانی که برای گروهی خاص آمده است؛ عددی که معدودش مبهم است، و فرجام چیزهایی که روشن نشده است. و درباره آنچه اختلاف وجود دارد، بحث کرده‌ام؛ و نام‌ها را بدون زیاده‌گویی در قصه‌ها و خبرها، به اختصار بیان نموده‌ام؛ و آن را به ترتیب سوره‌های قرآن مرتب کرده‌ام و نامش را غرر التبیان لمبهمات القرآن نهاده‌ام... ۲۵

شرح حال نویسان، به کتاب التبیان لمبهمات القرآن اشاره کرده اند؛ از جمله، زرکلی به کتاب غرر البیان لمبهمات القرآن و غرر التبیان لمن لم یسم فی القرآن اشاره کرده است. ۲۶ پس این جماعة خودش، کتاب التبیان لمبهمات القرآن را خلاصه کرده و آن را غرر التبیان لمبهمات القرآن نام نهاده است. آقای دکتر عبدالجواد آن را تحقیق کرده؛ که با نام: غرر التبیان فی من لم یسم فی القرآن به سال ۱۴۱۰ هجری در دمشق به چاپ رسیده است. سیوطی نیز از این کتاب در مفعمات الأقران نام برده است. ۲۷

گفتنی است نام صحیح کتاب‌های ابن جماعة، التبیان لمبهمات القرآن و غرر التبیان لمبهمات القرآن است، و «غرر البیان» صحیح نیست. و به نظر می‌رسد این اشتباه از سوی ناسخ این کتاب ناشی شده است. کتاب ابن جماعة، دارای دو نسخه است:

۱. نسخه اصلی، که در کتابخانه دیر اسکوریال در اسپانیا با رقم اسکوریال ۱۵۹۸ / ۲

است که به خود ابن جماعة نگاشته شده است.

۲. و نسخه دوم نیز در کتابخانه محمودیه در مدینه منوره است، و به خط عبدالوهاب برکات الأحمدی است.

ابن جماعه در تفسیر مبهمات، از سوره «فاتحه» آغاز، و به سوره «ناس» پایان داده است؛ اما به سوره «عنکبوت» و «روم» نپرداخته است.

۹. صلة الجمع و عائد التذیل لموصول کتابی الإعلام و التکمیل. به قلم: الامام ابو عبدالله، محمد بن علی بن احمد بن محمد الأوسى البلنسی الغرناطی، مشهور به: «بلنسی» (۷۲۴-۷۸۲ هـ).

بلنسی روز دوشنبه ۲۸ ذیحجه سال ۷۱۴ هجری تولد یافت، و روز شنبه ۵ ربیع الاول سال ۷۸۲ هجری وفات کرد. وی مفسری بارز، فقیهی برجسته، و نحوی توانمند در میان هم عصرانش بوده است. ابن خطیب غرناطی - که معاصر با بلنسی است - وی را این گونه می ستاید:

دانش پژوهی گشاده روی و خوش برخورد، پاکدامن، حریص در علم و جوینده آن، بلند پایه در دانش عربی و بیان، قدرت زیاد در یادآوری مسائل و حافظه بالا، و تدریس و تقریر نیکو.

از بررسی کتاب هایی که به شرح حال بلنسی پرداخته اند، در می یابیم که وی تألیفات زیادی نداشته است. کتاب های او عبارتند از:

۱. صلة الجمع و عائد التذیل لموصول کتابی الإعلام و التکمیل؛ همین کتاب مورد بحث است که به عنوان تکمیل و تتمیم بر کتاب های سهیلی و ابن عسکر نگاشته است.

۲. تفسیر القرآن؛ این کتاب را بر حجم دانسته اند. ۲۸

نیم نگاهی بر کتاب تفسیر مبهمات القرآن

بلنسی مقدمه کتابش را با نام خداوند متعال آغاز می کند؛ و پس از حمد و ستایش خداوند متعال، و درود و سلام بر پیامبر اکرم (ص) و خاندان و اصحاب بزرگوارش، پرداختن به قرآن را از شریف ترین کارها، و مایه سعادت مندی می داند؛ و با قلمی بس شیوا، اعجاب برانگیز و آهنگین، در جای جای مقدمه اش به انگیزه نگارش این کتاب اشاره می کند. وی درباره چگونگی آشنایی اش با کتاب های سهیلی و ابن عسکر می نویسد:

برای پژوهش درباره آیاتی از قرآن، به مبهمات قرآنی اندیشیدم؛ و چون در این باره به

جست‌وجو پرداختم، به کتاب ابوزید سهیلی با عنوان التعریف و الإعلام فیما ابهم فی القرآن من الاسماء الاعلام، دست یافتم؛ و پس از آن به کتاب التکمیل و الاتمام لکتاب التعریف و الاعلام، اثر ابن عسکر - که استدراک‌ی است بر کتاب پیشین - دست یافتم.^{۲۹} بلنسی، کتاب را بر اساس ترتیب سور قرآن، سامان داده است؛ و در بحث از مبهمات، ابتدا نظر سهیلی، و در پی آن، نظر ابن عسکر را با علامت اختصاری می‌آورد. سپس آنچه از آیات مبهم را که آن دو نیاورده‌اند، بیان می‌کند، با توجه به پژوهشی که محقق کتاب انجام داده است. آنچه بلنسی در جلد اول به کلام سهیلی و ابن عسکر افزوده به ۱۰۷ مورد می‌رسد. و مواردی که به تنهایی بیان کرده، نیز در جلد اول به ۵۷ مورد می‌رسد. روش وی در تفسیر مبهمات قرآن - همچون سهیلی و ابن عسکر - بهره‌گیری از خود قرآن، سپس سخنان پیامبر اکرم (ص) و آنگاه صحابه و تابعین است.

برجستگی‌ها و ارزش علمی کتاب

۱. جامعیت: نخستین ویژگی و ارزش والای کتاب بلنسی، جامعیت آن است. کتاب او در برگیرنده دو کتاب سهیلی و ابن عسکر است. و مطالبی نو، متنوع و گرانسنگ به آنها افزوده و ارزش کتابش را بیشتر و بیشتر کرده است.
۲. توجه به مسایل اعتقادی: توجه و اهتمام به مسایل اعتقادی - خصوصاً مسایل مربوط به عصمت ملائکه و انبیای الهی (ع) - نیز ارزش علمی کتاب را افزون کرده است.
۳. پیگیری برخی از روایات ضعیف: وی در پی روشن ساختن عدم توانایی در ارائه استدلال بر اساس روایات ضعیف، و ارائه نظریه‌ی درست بر مبنای روایات صحیح است.

کاستی‌ها و نارسایی‌های کتاب

افزون بر محاسن فراوانی که در کتاب بلنسی وجود دارد، برخی ضعف‌ها و نارسایی‌ها نیز بر آن وارد است؛ اما باید اذعان کرد که وزنه ارزش علمی و برجستگی‌های این کتاب، از ضعف‌هایش بسی سنگین‌تر است. این کاستی‌ها عبارتند از:

۱. عدم ارجاع به مصادر اصلی: گاهی احادیث و سخنانی را ارائه می‌دهد، ولی به مصادر اصلی ارجاع نمی‌دهد؛ و به انتساب به تفاسیر و کتب متأخرین اکتفا می‌کند.
۲. عدم اشاره به مصدر برخی از سخنان: وی گاهی سخنانی را به طور کامل نقل می‌کند،

بدون اینکه به مصدرش اشاره نماید؛ در صورتی که بیشتر این مطالب غالباً از المختر الوجیز، از ابن عطیه، و الکشاف از زمخشری است. ۳۱

۳. استطراد، و سخن راندن طولانی و خسته کننده پیرامون برخی مسایل: در این باره می توان به این موارد اشاره کرد:

الف) استطراد در بحث پیرامون نام های سورۀ فاتحه، و پرداختن به مباحث صرفی و نحوی. ۳۲ ب) استطراد در بحث پیرامون آدم (ع) و ابلیس، و پرداختن به مباحث لغوی. ۳۳ ج) استطراد در بحث پیرامون شراب، و ارائه نام ها و صفات آن. ۳۴

۴. بهره گیری از اسرائیلیات و اخبار موهوم و غریب، و استفاده از کتب غیر معتبر: وی گاهی سخنانی را ارائه می دهد که به جز در کتاب عرائس المجالس از ثعلبی یافت نمی شود. گفتنی است این کتاب، انباشته از اسرائیلیات و اخبار موهوم و غریب است. ۳۵

۵. عدم ارائه همه مبهمات قرآن: سهیلی و ابن عسکر هر کدام به پاره ای از مبهمات قرآن پرداخته اند. و بلنسی نیز هر چند مبهماتی را به آنها افزوده است، ولی از برخی دیگر غافل شده است.

جلد نخست این کتاب را آقای دکتر حنیف بن حسن القاسمی، و جلد دوم را آقای عبدالله عبدالکریم محمد، بررسی و تحقیق کرده اند؛ و انصافاً تحقیقی شایسته و در خور انجام داده اند. این کتاب در دو جلد برای نخستین بار به سال ۱۴۱۱ هجری توسط دارالغرب الاسلامی، در لبنان به چاپ رسیده است. جلد نخست، پس از مقدمه محقق و مؤلف، از سورۀ فاتحه آغاز، و با سورۀ توبه، در صفحه ۶۴۶ به پایان رسیده است. و جلد دوم، بدون هیچ گونه مقدمه ای، از سورۀ یونس آغاز، و به سورۀ ناس در ۸۶۱ صفحه به انجام رسیده است.

۱۰. الاحکام لبیان ما فی القرآن من الإبهام؛ به قلم: الحافظ ابوالفضل، شهاب الدین احمد بن علی بن محمد الکنانی العسقلانی، ابن حجر، مشهور به: ابن حجر عسقلانی. (۷۷۳-۸۵۲ هـ)

وی مورخ، ادیب، شاعر، و از فقهای شافعیه است. اصل او از عسقلان فلسطین است. در قاهره متولد شد. فقه و ادب و نحو و لغت را آموخت، و سپس به حدیث روی آورد، و برای کسب حدیث به شام و حجاز و یمن مسافرت کرد. شهرت فراوانی بدست آورد، و گروه هایی از دانش پژوهان و دانشمندان برای کسب دانش از او به گردش جمع شدند. «ابن حجر»، مدت ۲۱ سال قضاوت کرد، و سپس قاضی القضاة در مصر شد.

از جمله آثارش که مربوط به تفسیر است عبارتند از: أسباب النزول، و الآيات النيرات للخوارق المعجزات. ۳۶

برخی از شرح حال نویسان، کتاب الاحکام لیان ما فی القرآن من الإیهام را به ابن حجر نسبت داده‌اند. ۳۷ و برخی نیز در نسبت چنین کتابی به وی تردید کرده‌اند. ۳۸ البته از چگونگی این کتاب، اطلاعی در دست نیست.

۱۱. *مفحمت الأقران فی مبهمات القرآن*. به قلم: جلال الدین ابوالفضل عبدالرحمن بن أبی بکر بن محمد بن سابق الدین بن عثمان الخضیری السیوطی، مشهور به: جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ هـ). سیوطی، در رجب سال ۸۴۹ هجری متولد شد، و پدرش را در سن پنج سال و هفت ماهگی از دست داد. وی حافظ، مورخ، محدث، و مفسر بود؛ و در محضر بیش از یک صد و پنجاه استاد و شیخ حدیث زانو زد؛ و با تمام توان در فراگیری، و سپس در ثبت و ضبط دانش و نگارش و تصنیف کوشید، و آثاری فراوان و بی نظیر بر جای گذاشت. سیوطی کارنامه ای پر برگ و بار از پژوهش و نگارش - خصوصاً در مباحث علوم قرآنی و تفسیر و حدیث - بر جای گذاشته است. تفسیر *مهمش الدر المنثور* و کتاب علوم قرآنی اش *الاتقان فی علوم القرآن* بسیار مشهور است. وی در سحر شب جمعه، نوزدهم جمادی الاول، به سال ۹۱۱ هجری زندگی را بدرود گفت. ۳۹

سیوطی کتاب *مفحمت الأقران* را با مقدمه‌ای در بیان اهمیت علم مبهمات، و ضرورت توجه به آن آغاز کرده است؛ و در ضمن آن، به کتاب‌هایی که پیش از این در زمینه مبهمات قرآن نگاشته شده پرداخته است؛ و بنا به گفته خودش، کتاب *مفحمت الأقران*، در برگزیده سه کتاب سهیلی و ابن عسکر و ابن جماعه است. وی در اینجا نامی از بلنسی به میان نبرده، ولی در کتاب *بغیة الوعاة*، به شرح حال و کتاب بلنسی پرداخته است.

پس از بیان مقدمه، به تفسیر مبهمات قرآن می‌پردازد؛ و از سوره فاتحه آغاز، و به سوره ناس به انجام می‌رساند. بر اساس تحقیقی که آقای آیاد خالد الطباع بر این کتاب به عمل آورده، مجموعاً ۵۸۶ مورد از تفسیر مبهمات قرآن بحث شده است. سیوطی به مبهمات ۹۱ سوره از سوره‌های قرآن پرداخته، اما از تعداد ۲۳ سوره غافل شده است، که عبارتند از: جاثیه، طور، صف، تغابن، طلاق، ملک، مزمل، انفطار، مطففین، انشقاق، أعراف، غاشیه، ضحی، شرح، بینه، زلزله، عادیات، قارعه، تکاثر، عصر، ماعون، نصر، اخلاص.

این کتاب به سال ۱۳۸۴ هجری برای نخستین بار چاپ شده است. و به سال ۱۴۰۳

هجری با عنایت دکتر مصطفی دیب البغا، به چاپ رسیده است. نیز به سال ۱۴۰۹ هجری چاپ دوم این کتاب با تحقیق آقای آیاد خالد الطباع در بیروت به بازار فرهنگ و دانش آمده است. و به سال ۱۴۱۲ هجری نیز با تحقیق آقای طه عبد الرؤوف سعد چاپ شده است. نیز با تحقیق آقای محمد ابراهیم سلیم توسط انتشارات مکتبه القرآن، در قاهره انتشار یافته است. کتاب صفحات الاقران، به سال ۱۳۷۰ شمسی توسط آقای محسن قاسم پور - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث - در دانشگاه تهران، ترجمه و تحقیق شده است. در این پایان نامه، آیاتی که سیوطی از آنها به سادگی گذشته، تبیین شده؛ و آیاتی که نزول آنها درباره اهل بیت (ع) مورد انکار واقع شده بررسی گردیده؛ و ثابت شده، که آنها در خصوص آنان نزول یافته است. همچنین در مواردی نیز بر این کتاب تعلیقاتی نوشته شده است.

گفتنی است سیوطی خلاصه مباحث مبهمات قرآن را از صفحات الاقران، در معترك الاقران آورده؛ و خلاصه «معترك» را نیز در الاتقان فی علوم القرآن گنجانیده است.

۱۲. تلخیص التعریف و الإعلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء الأعلام. به قلم جمال الدین محمد بن عمر بن مبارک بن عبدالله الحمیری الحضرمی، مشهور به «بحرق». (۸۶۹-۹۳۰ هـ).

وی نیمه شب پانزدهم شعبان، به سال ۸۶۹ هجری در «حضر موت» متولد شد، در همانجا رشد یافت، و در همانجا به کسب دانش پرداخت، و به حفظ قرآن همت گمارد، و در ادبیات و نحو، متبحر گردید. وی را علامه یمن نام نهاده اند. مدتی قضاوت نمود، و سپس به هند رفت. در آنجا مورد تکریم سلطان مظفر شاه دوم (۹۱۷-۹۳۲ هـ) قرار گرفت. می گویند تعدادی از وزرا، به سبب جایگاهی که نزد سلطان به دست آورده بود، نسبت به وی حسادت ورزیدند؛ و وی را مسموم کردند. وفاتش در شب بیستم شعبان ۹۳۰ هجری اتفاق افتاده است. ۴۰

کتاب بحرق با نام: تلخیص التعریف و الإعلام، چکیده التعریف و الإعلام از سهیلی است. در مقدمه کتابش آمده است:

این، چکیده و خلاصه ای از التعریف و الإعلام لما أبهم فی القرآن من الاسماء الإعلام است؛ شامل پیامبر یا جانشین پیامبر یا فرشته یا جن یا شهر یا درخت یا ستاره، یا جز آنی که نامی دارد. ۴۱

بحرق، تفسیر مبهمات را با آیه ۳۵ سوره بقره: اسکن انت و زوجک الجنة آغاز کرده، و به

سوره مسد به پایان می‌رساند. این کتاب هنوز به صورت نسخه خطی است، و حجمی اندک در ۱۳ ورقه دارد. نسخه‌ای از آن در مرکز پژوهش علمی در دانشگاه أم القرى با شماره ۹۵۳ وجود دارد که از کتابخانه‌ی أحقاب در یمن تصویر برداری شده است.

۱۳. موسوعة الأسماء والأعلام المبهمة فی القرآن الکریم، موسوم به: ترویج أولی الدّمائة بمنتی الکتب الثلاثة، به قلم: عبدالله بن سلامة الأدکاوی المصری، مشهور به: «مؤذن» و «ادکاوی» (۱۱۰۴ - ۱۱۸۴ هـ).

ادکاوی در روستای ادکو - نزدیک رشید در مصر - به سال ۱۱۰۴ هجری متولد شد، و در قاهره رشد نمود، و در همانجا به کسب دانش پرداخت. وی فردی است ادیب، شاعر، و سخنور؛ و کتاب‌های فراوانی در موضوعات ادبی دارد. نیز کتابی با نام: المنح الرّیائیة فی تفسیر آیات الحکم الفرقانیة دارد. ۴۲

همچنان که از نام کتاب بر می‌آید، مجموعه‌ای است از کتاب‌های سهیلی، ابن عسکر و بلنسی. این کتاب، خلاصه و چکیده‌ی تفسیر آنان را آورده و چیزی به آنها نیفزوده است. نسخه‌ی خطی این کتاب که پیشتر گفته‌ایم، در مرکز پژوهش علمی در دانشگاه أم القرى، با شماره ۶۸۴ به خط مؤلف وجود دارد. ۴۳ این کتاب با تحقیق و شرح مروان العطیة و محسن خرابة در دو جلد، و برای نخستین چاپ، به سال ۱۴۲۱ هجری توسط انتشارات مکتبة العبیکان در ریاض به بازار دانش عرضه شده است.

جلد نخست این کتاب، در برگزیده‌ی مقدمه‌ای از محققان، و شرح حال ادکاوی، سهیلی، ابن عسکر، و بلنسی است. سپس مقدمه‌های سهیلی و ابن عسکر آمده، و در ادامه، بحث از اسباب ابهام در قرآن، و توضیح پیرامون نسخه‌ی خطی و تصاویری از این نسخه، و سپس روش تحقیق و بررسی کتاب، و مقدمه‌ی نویسنده آمده است. ترتیب تفسیر مبهمات قرآن در این کتاب، بر اساس ترتیب کتاب بلنسی است. جلد نخست شامل سوره‌های حمد تا اسراء، و جلد دوم از سوره‌ی کهف تا ناس است. این کتاب دارای فهرست‌های متنوع و کارآمد به شرح زیر است: آیات قرآن، قراءات قرآن، احادیث، اعلام، اشعار، اماکن و آیام، أمثال، مصادر و مراجع، موضوعات، و فهرست فهرست‌ها.

بر اساس بررسی که در کتاب ترویج أولی الدّمائة، به عمل آورده شد، نکات زیر بدست می‌آید:

۱. همچنانکه پیش از این نیز بیان شد؛ این کتاب، خلاصه سه کتاب سهیلی، ابن

عسکر، و بلنسی است؛ و تفسیر خیلی از آیات مبهم را به اختصار آورده؛ و چه بسیار از آنها را نیز حذف کرده است. برای نمونه، می توان به سوره های بقره و آل عمران و نساء اشاره کرده که ۵۸ آیه مبهم از بقره، ۲۸ آیه مبهم از آل عمران و ۲۷ آیه مبهم از سوره نساء در مقایسه با کتاب بلنسی، در کتاب ادکاوی نیامده است.

۲. نگارنده در شروع مطرح کردن آیات مبهم، رویه یکسانی را اعمال نکرده است. به مثل: همه آیات را از ابتدای پاراگراف می نویسد؛ ولی در برخی از موارد، در ادامه تفسیر آیه قبل و در وسط سطر نوشته است.

نیز در تفسیر القرآن، و ترویج اولی الدمائه، تفسیر آیه ۱۹ مائده، پیش از آیه ۱۸ بیان شده است.

۱۴. الیاقوت و المرجان فی تفسیر مبهمات القرآن. به قلم: دکتر عبدالجواد خلف عبدالجواد. (معاصر).

جلد نخست این کتاب به سال ۱۹۸۴ میلادی در هند به چاپ رسیده است. روش نویسنده این گونه است که آیه مبهم را بیان می کند؛ سپس سخنان همه پیشینیان را درباره آن می آورد؛ آنگاه ضمن بیان حکمت ابهام، به شرح واژه های دشوار یاب، و کشف اسرار بلاغی و سایر موارد می پردازد. جلد نخست حاوی ۵۰۰ صفحه، و شامل تفسیر آیات غریب از سوره های فاتحه و بقره است.

آقای عبدالجواد خلف عبدالجواد، در مقدمه کتابش می نویسد:

پس از استقرار و جست و جو در تاریخ تدوین این علم، و کسانی که به طور مستقل در این موضوع کتاب نگاشته اند، دریافتیم که همه آنچه در تاریخ اسلام نوشته شده، شش کتاب متعلق به پنج دانشمند است که همگی شان در قرن های ششم تا هشتم هجری به نگارش در آمده اند. ۴۴

محقق کتاب تفسیر مبهمات القرآن می نویسد:

عجیب آنکه، وی از کتاب مفحمات الأقران، به قلم سیوطی - که در نیمه دوم قرن نهم و ابتدای قرن دهم هجری می زیسته است - نام برده، و سپس گفته است: این کتاب من - که جلد اولش را پیش روی دارید - به عنوان هفتمین کتابی است که در این موضوع نگاشته شده است.

و آنگاه در نقد این سخن می نویسد:

اما این ادعا قابل مناقشه است؛ زیرا بنا بر آنچه تا کنون به آن اشاره کرده ایم بیش از اینها است که وی گفته است!!^{۴۵}

و در ادامه، تعداد کتاب‌هایی را که از آنها یاد کرده است را یازده عدد بر می‌شمرد.

۱۵. *أسامی الذین نزل فیهم القرآن*، نویسنده آن مشخص نیست.

آقای حنیف بن حسن القاسمی، محقق کتاب تفسیر مبهمات القرآن، در پی دیدارش از ترکیه، در سال ۱۴۰۶ هجری به نسخه خطی کتاب یاد شده در کتابخانه سلیمانیه استانبول دست یافته، که نویسنده آن مشخص نبوده است. وی این نسخه را این گونه توصیف می‌کند: این نسخه به ترتیب حروف الفبا است؛ ابتدای بحث را با «ابوبکر» و آیاتی که در قرآن در درباره وی نازل شده آغاز کرده است. وی پیش از آنکه به تفسیر آیه پردازد، شرح حال کسی را که این آیه با آیه‌هایی درباره اش نازل شده ارایه می‌کند؛ سپس به بیان آیه می‌پردازد. به مثل: هنگامی که ابوبکر را به همراه شرح حالش بیان می‌کند، به چهار آیه که [گمان می‌کند] درباره وی نازل شده اشاره می‌نماید. سپس ابی بن کعب و دیگران را بر اساس ترتیب الفبا به همان روش می‌نویسد.

پس از پایان یافتن نام افرادی که [آیه‌ای از] قرآن درباره آنان نازل شده، به نام قبایل، سپس نام کسانی که از امت پیامبر (ص) نبوده‌اند، پرداخته است.^{۴۶}

تاکنون به تعداد پانزده عنوان کتاب درباره مبهمات قرآن اشاره کردیم که برخی از آنها به چاپ رسیده‌اند. و چه بسا برخی دیگر همچنان به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند. گفتنی است در برخی از منابع، به کتاب‌های دیگری اشاره شده است، اما ما از چگونگی آنها اطلاعی کسب نکرده‌ایم. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از:

- ۱۷۵ - کتاب *البیان فیما أبهم من الأسماء فی القرآن*؛ به قلم: محمد بن سلیمان بن احد زهری (۶۱۷-۷۰۰ هـ) آقای محسن ادیب بهروز، طی مقاله‌ای، کتاب نامبرده را به زهری نسبت داده، و نوشته است که این کتاب «ظاهراً چاپ نشده است.»^{۴۷}
- کتاب *ذیل التعریف و الإعلام*؛ به قلم: محمد بن علی بن محمد بلنسی (۷۰۰-۶۳۶ هـ). این کتاب در مکتبه الحرمین مکه، به صورت خطی موجود است.^{۴۸}
- کتاب *مبهمات القرآن*؛ نام مؤلف گزارش نشده است؛ و تنها نسخه خطی از آن در کتابخانه جامع باشا در موصل، موجود است.^{۴۹}
- کتاب *غرائب القرآن و مشکلاته و بیان شأنه و نزول آیاته و معانیه و بعض لغاته و شرح*

مبهمات؛ شایان ذکر است، در گزارش دکتر علی شواخ اسحاق، از مؤلف آن هیچ نامی برده نشده است. ۵۰

کتاب ضمن موضوعی درباره مبهمات قرآن

علاوه بر کتاب‌هایی که به طور مستقل درباره تفسیر مبهمات قرآن نوشته شده است، کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد که در لابلای مباحث علوم قرآنی، به این دانش پرداخته‌اند که در جای خود قابل بررسی و تقدیر است. ناگفته نماند که تعداد این کتابها از انگلستان دست تجاوز نمی‌کند. اکنون به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱. البرهان فی علوم القرآن، به قلم: ابو عبدالله بدر الدین محمد بن عبدالله الزرکشی، معروف به: زرکشی (۷۴۵-۷۹ هـ)

زرکشی، به سال ۷۴۵ هجری در قاهره به دنیا آمد، و در همان دیار آموختن را آغاز کرد؛ سپس به دمشق رفت، و به کسب دانش پرداخت؛ و در تفسیر، حدیث، فقه، اصول، و ادبیات عرب به آگاهی‌های گسترده‌ای دست یافت. تفسیری نوشته است که تا سوره مریم رسیده و ناتمام مانده است. وی روز یکشنبه سوم رجب سال ۹۷۴ هجری وفات یافت؛ و در مصر مدفون گردید. ۵۱

مهم‌ترین کتاب زرکشی در زمینه علوم قرآنی، کتاب ارزشمند البرهان فی علوم القرآن است که در ۴۷ نوع، تنظیم شده است. بی شک این کتاب تا به آن روز در کامل بودن و گستردگی، بی نظیر بوده؛ و پس از آن نیز کم نظیر است. وی دو نوع ششم از البرهان، به بحث پیرامون دانش مبهمات پرداخته است، و ضمن اشاره به پیشینه نگارش‌ها در این موضوع، از سهیلی و ابن عسکر نام می‌برد. سپس به هفت مورد از اسباب ابهام در قرآن می‌پردازد، و برای هر کدام مصادیقی از قرآن ارائه می‌دهد. و در ادامه نیز خواننده را به چهار تذکر درباره برخی مبهمات در قرآن فرا می‌خواند. سیوطی معتقد است: «آنچه خداوند دانشش را به خود اختصاص داده نباید به جست و جو و ارائه نظر پرداخت». ۵۲

این کتاب بارها به چاپ رسیده است؛ از جمله با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، احمد عبدالقادر عطاء، و نیز تحقیق ارزشمند دکتر یوسف عبدالرحمن مرعشلی، انتشار یافته است. ۲. معترك الاقران فی اعجاز القرآن، و ۳. الاتقان فی علوم القرآن، به قلم: سیوطی. پیش از این بیان شد که سیوطی کتاب مستقلی درباره دانش مبهمات قرآن به نام: مفحمات

الاقران فی مبهمات القرآن دارد؛ که خلاصه آن را در قسمتی از معترک الأقران فی اعجاز القرآن آورده؛ و خلاصه این را نیز در قسمتی از الاتقان فی علوم القرآن آورده است. ۵۳ اکنون نگاهی گذرا به چگونگی این بحث در دو کتاب یاد شده می‌افکنیم:

الف) نگرشی بر مبهمات قرآن در معترک الأقران

سیوطی در جلد نخست از این کتاب، به بیان ۳۵ وجه از وجوه اعجاز قرآن پرداخته است، و وجه سی و سوم را با عنوان «ورود آیات مبهمه یحیر العقل فیها» آورده است. وی پس از نام بردن از سهیلی، ابن عسکر و ابن جماعة به عنوان نگارندگان در این موضوع، راه دستیابی به مبهمات را نقل محض می‌داند. سپس به اسباب هفتگانه ابهام در قرآن اشاره کرده، مصادیقی را می‌نویسد. سیوطی به مناقشه با نظر زرکشی پیرامون محدوده دستیابی انسان‌ها به مبهمات قرآن پرداخته، ۵۴ و مبهمات قرآن را به دو دسته تقسیم کرده است:

۱. مبهمی که مراد از آن عموم نباشد. ۲. مبهمی که مراد از آن عموم باشد.

وی دسته اول را شامل مردان و زنان و فرشته و جن، با تشبیه و جمع، و با موصول - که مراد از آن، عموم نباشد - می‌داند؛ و سپس به ۱۴۴ مصداق از آیات مبهم اشاره می‌کند. و جمع‌های مبهم را که شامل عموم است، در دسته دوم قرار داده و به ۷۳ مصداق از آیات مبهم اشاره می‌کند. و در پایان نیز به ۵ مورد دیگر اشاره می‌نماید.

ب) نگرشی بر مبهمات قرآن در الاتقان

سیوطی مجموعه علوم قرآنی اش را در ۸۰ نوع، و با عنوان: الاتقان فی علوم القرآن مطرح کرده. و نوع هفتم را به بحث درباره مبهمات القرآن اختصاص داده است. سبک و محتوای نگارش وی در این نوع، همانند معترک الأقران است؛ جز اینکه در ارائه مصادیقی از مبهمات قرآن، در تعداد مصادیق، اختلاف دارند.

۱. ر. ک: التعريف والإعلام / ۷-۸، التكميل والإتمام / ۱۷؛ تفسير مبهمات القرآن، ۱/ ۴۱ و ۴۵؛ معترك الأقران، ۱/ ۳۶۶؛ سير نگارش های علوم قرآنی / ۷۹- ۸۰.
۲. ابن کتاب با نام غوامض الأسماء المبهمة والأحاديث المسندة في القرآن نیز چاپ شده، و دکتر هیثم عیاش- محقق این کتاب- به این نکته تصریح کرده است
ر. ک: غوامض الأسماء المبهمة... / ۹.
۳. درباره شرح حال او، ر. ک: طبقات المفسرین (داودی)، ۱/ ۲۹۶؛ نکت الهمیان / ۱۸۷؛ انباه الرواة، ۲/ ۱۶۲؛ غایة النهاية، ۱/ ۳۷۱؛ زاد المسافر / ۹۶؛ المغرب، ۱/ ۴۴۸؛ الديباج المذهب / ۱۵۰، بغية الملتمس / ۳۵۴؛ وفيات الأعيان، ۳/ ۱۴۳؛ تذكرة الحفاظ / ۱۳۴۸؛ العبر: ۴/ ۲۴۴؛ شذرات الذهب: ۴/ ۲۷۱؛ البداية والنهاية، ۱۲/ ۳۱۹؛ بغية الوعاة، ۲/ ۸۱؛ طبقات النجاة (ابن قاضی شهبة)، ۲/ ۶۹؛ مرآة الجنان، ۳/ ۴۲۲؛ التكملة: رقم ۱۶۱۳؛ روضات الجنات / ۴۲۹؛ هدية العارفين، ۱/ ۵۲۰؛ المطرب / ۲۳۰؛ نفع الطیب، ۳/ ۳۰۰؛ معجم المؤلفين، ۵/ ۱۴۷.
۴. التعريف والإعلام / ۷-۱۶.
۵. همان / ۱۸۹.
۶. تفسير مبهمات القرآن، ۱/ ۴۵.
۷. ابن کتاب با نام غرر التبیان فی من لم یسم فی القرآن، با تحقیق دکتر عبدالجواد خلف انتشار یافته است.
۸. هدية العارفين، ۱/ ۵۲۰؛ الأعلام، ۳/ ۳۱۳؛ ترویج أولى الذمات، ۱/ ۱۴؛ معجم المفسرین، ۱/ ۲۶۷.
۹. تفسير مبهمات القرآن، ۱/ ۴۵-۴۶.
۱۰. التعريف والإعلام / ۲۲- ۲۳.
۱۱. در این باره ر. ک: غوامض الأسماء المبهمة / ۹.
۱۲. درباره شرح حال او ر. ک: اختصار القدرح / ۱۳۰؛ قضاة الأندلس / ۱۲۳؛ نفع الطیب، ۲/ ۳۵۱؛ المغرب، ۱/ ۴۳۱؛ التكملة، ۲/ ۶۴۱؛ كشف الظنون / ۱۲۰۹ و ۱۶۹۲؛ بغية الوعاة، ۱/ ۱۷۹؛ هدية العارفين، ۲/ ۱۱۳؛ الأعلام، ۷/ ۱۷۰؛ معجم المؤلفين، ۱۱/ ۷؛ الإحاطة، ۲/ ۱۲۲.
۱۳. در این باره، ر. ک: مقدمة مؤلف در التكميل والإتمام / ۳۳- ۳۶.
۱۴. آقای دکتر عبدالجواد در تحقیقش بر کتاب غرر التبیان،
- بین ابن عساکر و ابن عسکر خلط کرده است. در این باره.
ر. ک: التكميل والإتمام / ۱۹.
۱۵. درباره شرح حال او، ر. ک: بغية الوعاة، ۱/ ۲۵؛ الوافی بالوفیات، ۲/ ۱۰۴؛ نفع الطیب، ۲/ ۲۱۴؛ معجم الأديان، ۱۷/ ۲۷۷؛ كشف الظنون / ۲۶۳؛ معجم المؤلفين، ۸/ ۲۶۵، ۱۰/ ۷۴؛ الأعلام، ۷/ ۱۸؛ هدية العارفين، ۲/ ۱۱۰.
۱۶. هدية العارفين، ۲/ ۱۱۰.
۱۷. الأعلام، ۵/ ۳۲۰.
۱۸. در این باره، ر. ک: التكميل والإتمام / ۱۷.
۱۹. ر. ک: الأعلام، ۵/ ۳۲۰.
۲۰. درباره شرح حال او، ر. ک: التبوغ المغربي / ۱۱۵؛ معجم المحذثين والمفسرین / ۲۲؛ جذوة الإقتباس، ۱/ ۱۷۷- ۱۱۹؛ نیل الإبتهاج / ۶۳؛ شجرة النور الزكية / ۲۰۰؛ فهرس الفهارس، ۲/ ۲۷۲؛ الأعلام، ۱/ ۲۷۴؛ معجم المؤلفين، ۲/ ۲۰۸.
۲۱. جذوة الإقتباس، ۱/ ۱۱۸؛ شجرة النور الزكية / ۲۰۰؛ الأعلام، ۱/ ۲۷۴.
۲۲. درباره شرح حال او ر. ک: نفع الطیب، ۲/ ۶۶۱- ۶۶۲؛ الدرر الكامنة، ۴/ ۲۱۴؛ هدية العارفين، ۲/ ۱۴۳؛ بغية الوعاة، ۱/ ۱۹۳؛ معجم المؤلفين، ۱۱/ ۷۱.
۲۳. هدية العارفين، ۲/ ۱۴۳؛ معجم المفسرین، ۲/ ۵۸۵.
۲۴. درباره شرح حال او ر. ک: نکت الهمیان / ۲۳۵؛ الوافی بالوفیات، ۲/ ۱۳۶؛ الألسن الجلیل، ۲/ ۱۳۶؛ الدرر الكامنة، ۳/ ۳۶۷؛ البداية والنهاية، ۱۴/ ۱۶۳؛ الرسالة المستطرفة / ۲۱۴؛ قضاة دمشق / ۸۰؛ مرآة الجنان، ۴/ ۲۸۷؛ النجوم الزاهرة، ۹/ ۲۹۸؛ هدية العارفين، ۲/ ۱۴۸؛ الشذرات، ۶/ ۱۰۵؛ ذیل العبر / ۱۷۸؛ دول الإسلام، ۲/ ۱۸۳؛ وفات الوفيات، ۳/ ۲۹۷؛ حسن المحاضرة، ۱/ ۴۲۵؛ ایضاح المکنون، ۲/ ۱۴۵ و ۲۰۹ و ۳۶۷؛ كشف الظنون / ۱۴۹۵.
۲۵. غرر التبیان / ۱۹۲- ۱۹۸.
۲۶. كشف الظنون، ۱/ ۳۴۱؛ هدية المعارفين، ۲/ ۴۱۸؛ ایضاح المکنون، ۱/ ۲۲۴؛ الأعلام، ۵/ ۲۹۸.
۲۷. مفحّمات الأقران / ۳۳.
۲۸. درباره شرح حال او، ر. ک: طبقات المفسرین، ۲/ ۲۱۱؛ بغية الوعاة، ۱/ ۱۹۸؛ الدرر الكامنة، ۴/ ۲۰۷؛ نیل

- الإبتهاج؛ ۲۷۰؛ كشف الظنون/ ۴۲۱ و ۴۵۴، الذیل،
 ۳۷۷/۲؛ معجم المؤلفین، ۳۰۵/۱۰ و ۴۶/۱۱.
۲۹. بنگرید به مقدمه مؤلف در تفسیر مبهمات القرآن، ۹۹/۱-
 ۱۰۳.
۳۰. در این باره، ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۳۲۴-
 ۳۶۰.
۳۱. همان/ ۳۶۰.
۳۲. همان/ ۱۱۰-۱۲۰.
۳۳. همان/ ۱۲۷-۱۴۳.
۳۴. همان/ ۲۱۹-۲۳۹.
۳۵. همان/ ۶۹.
۳۶. درباره شرح حال او ر. ک: رفع الإصرار، ۸۵/۱، لسان
 المیزان/ ۷؛ الضوء اللامع، ۳۶/۲؛ نظم العقیان/ ۴۵؛ البدر
 الطالع، ۸۷/۱؛ مورخو مصر الإسلامية/
 ۱۰۵؛ الدرر الكامنة؛ دائرة المعارف اسلامیة، ۱/۱۳۱؛ بدایع
 الزهور، ۷/۲؛ الفوائد البهیة؛ ۱۱؛ تهذیب التهذیب/
 ۱۲؛ شذرات الذهب، ۷/۲۷۰؛ زیدان، ۳/۱۸۲.
۳۷. كشف الظنون، ۲۱/۱؛ هدیة العارفين، ۱/۱
 ۱۲۸؛ شذرات الذهب، ۹/۳۹۸؛ الأعلام، ۱/۱۷۸.
۳۸. التكمیل و الإتمام/ ۱۹.
۳۹. درباره شرح حال او ر. ک: الضوء اللامع، ۴/۶۵؛ البدر
 الطالع، ۱/۳۲۸؛ حسن المحاضرة، ۱/۱۸۸؛ الكواكب
 السائرة، ۱/۲۲۶؛ هدیة العارفين، ۱/۵۳۴؛ عقود الجواهر/
 ۱۹۴؛ معجم المطبوعات، ۱۰/۷۳؛ النور السافر/ ۵۴؛
 روضات الجنات/ ۴۳۲؛ ذیل الطبقات الكبرى (شعرانی)/
 ۴؛ تاریخ آداب اللغة العربیة، ۳/۲۵۰؛ التاج المكلل/
 ۳۴۹؛ معجم المؤلفین، ۵/۱۲۸؛ المؤرخون فی مصر القرن
 الخامس عشر المیلادی/ ۵۶.
۴۰. درباره شرح حال او ر. ک: النور السافر/ ۱۴۳؛ الضوء
- اللامع، ۸/۲۵۳؛ معجم المطبوعات/ ۵۳۲، مجلّة
 الزهراء، ۴/۹۶؛ هدیة العارفين، ۲/۲۳۰؛ تاج العروس،
 ۶/۲۸۴؛ معجم المؤلفین، ۱۱/۸۹.
۴۱. تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۵۲.
۴۲. درباره شرح حال او، ر. ک: عجائب الآثار، ۳/۷؛ هدیة
 العارفين، ۱/۴۸۴؛ خطط مبارک، ۸/۵۱.
۴۳. تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۵۳. گفتنی است محققان
 کتاب ادکاو، به نسخه خطی دیگری دست یافته اند. در
 این باره، ر. ک: ترویج اولی الذمات، ۱/۳۰.
۴۴. الیاقوت و المرجان/ ۱۲، به نقل از: تفسیر مبهمات
 القرآن، ۱/۵۵.
۴۵. همان/ ۱۲، به نقل از: تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۵۵.
۴۶. تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۵۳-۵۴.
۴۷. بینات: سال پنجم، ش ۲۰/۱۵۵.
۴۸. همان.
۴۹. همان.
۵۰. معجم مصنفات، ۴/۱۹۰، به نقل از: بینات سال پنجم،
 ش ۲۰/۱۵۵.
۵۱. درباره شرح حال او ر. ک: انباء الغمر، ۱/۴۴۶؛ الدرر
 الكامنة، ۴/۱۷؛ شذرات الذهب، ۶/۳۳۵؛ حسن
 المحاضرة، ۱/۴۳۷؛ طبقات المفسرین (داودی)، ۲/
 ۱۵۷؛ النجوم الزاهرة، ۱۲/۱۳۴؛ الرسالة المستطرفة/
 ۱۴۲، السلوك، ۳/۲.
۵۲. البرهان فی علوم القرآن، ۱/۲۰۱-۲۱۱.
۵۳. سیوطی در معترك الأقران، ۱/۳۶۶ و ۳۸۴
 می نویسد: مبهمات قرآن را در کتابی گسترده تر به بحث
 نشسته است.
۵۴. البرهان، ۱/۲۰۲؛ معترك الأقران، ۱/۳۶۷-
 ۳۶۸؛ الاتقان، ۲/۴۶۱.